

## مروری بر تعاریف طب اسلامی با نگاهی به رابطه‌ی علم و دین

سید مجتبی موسوی بزاز<sup>۱</sup>، جعفر شکری<sup>۲</sup>، صادق شکری<sup>۳\*</sup>

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۶/۳/۸

تاریخ انتشار: ۹۶/۳/۲۵

### مقاله‌ی مروری

#### چکیده

امروزه، مشکلات فراروی طب رایج در ایران موجب اقبال عمومی به طب سنتی ایرانی شده که اصطلاح طب اسلامی نیز به موازات آن مطرح شده است. گرچه موافقان، طب اسلامی را دارای مبانی و اصول، ایدئولوژی، علوم پایه و منابع محکمی می‌دانند، تصویر علمی و روشنی از آن ارائه نشده است و دست‌کم در آثار پژوهشی در دسترس، هم‌چنان مبهم است. مطالعه‌ی حاضر به شکل مروری-توصیفی و کتابخانه‌ای انجام شده است. پایگاه‌های آی اس آی، پاب مد، آی اس دی، گوگل اسکولار، مگیران و اس آی دی به منظور شناخت این مبانی، جست‌وجو شد. دو نفر جست‌وجوی مستقل انجام دادند و حاصل را در جلسه‌ای مشترک تجزیه و تحلیل کردند. ارزیابی کیفی توسط متخصص پزشکی اجتماعی انجام شد. وابستگی نویسندگان به مراکز علمی مصوب از شاخص‌های گزینش منابع جهت ورود به مطالعه بود. مبانی طب اسلامی با نگاهی به رابطه‌ی علم و دین مرور شد. شش دیدگاه شامل تایید، رد، اولویت بخشی یا ترکیبی قابل بیان بود. برای این منظور، مضامین طبّی در حوزه‌ی آیات و روایات و طب رایج با نگاه به طبقه‌بندی‌های رابطه‌ی علم و دین تعریف شد. برای بیان مفاهیم علم دینی و طب اسلامی به ترتیب از نظرات علامه جوادی آملی و مهدی اصفهانی استفاده شده است که در حال حاضر از جایگاه و بنیاد استدلالی متین‌تری برخوردارند؛ ایشان ضمن اعتقاد به لزوم اتصال و حیانی، از رئالیسم انتقادی نیز بهره گرفته‌اند و شرط تحقق علم اسلامی را هویت درونی اسلامی آن علم می‌دانند و معتقد به روایی دیگر لوازمات و پیامدهای آن هستند.

**واژگان کلیدی:** علم، دین، علم دینی، طب، اسلام، طب اسلامی، پزشکی اسلامی، طب سنتی اسلامی

<sup>۱</sup> دانشیار، دانشکده پزشکی، گروه پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد الهیات، دادگستری اهواز، اهواز، ایران.

<sup>۳</sup> پژوهشگر، دانشکده طب سنتی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

\* نویسنده‌ی مسؤول: مشهد، دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، تلفن: ۵۱۳۸۵۵۲۱۸۸، Email: [Shokris1@mums.ac.ir](mailto:Shokris1@mums.ac.ir)

### مقدمه

شیوع بیماری‌های مزمن، درمان پرهزینه و پرعارضه یا عدم دسترسی به خدمات طب رایج، موجب شده است بیماران به‌سوی مکاتب طبّی دیگر مانند طب جایگزین و مکمل واز آن جمله طب سنتی ایران روی آورند. گرایش به روش‌های درمانی این مکاتب، شاید به‌دلیل عوارض و هزینه‌ی کمتر، اثر درمانی بهتر و دسترسی آسان است (۱).

ایران نیز دارای مکتب طب سنتی خاص خود است. طب سنتی ایران با حمایت وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی به‌صورت رشته‌ی دانشگاهی در حال فعالیت است و خدماتی را در این زمینه ارائه می‌دهد. اصطلاح طب اسلامی نیز به موازات احیای طب سنتی ایران در افکار عمومی مطرح شده است.

گرچه در مقالات و نظریات گوناگون طب اسلامی را دارای مبانی و اصول، ایدئولوژی، علوم پایه و منابع محکمی می‌دانند، تصویر علمی و روشنی از آن ارائه نشده است.

این عنوان با معنای طب دوران درخشش تمدن اسلامی از قرن سوم هجری در ادبیات مسلمانان پدیدار شده است. بین سال‌های ۱۳۳ هجری تا ۲۸۷ هجری قمری، دوره‌ی ترجمه‌ی متون طبّی تمدن‌های پیرامونی و مراحل ابتدایی تالیف کتب مربوطه است. از سال ۲۸۷ تا سال ۷۰۰ قمری (۹۰۰-۱۳۰۰ میلادی) دوران اوج و عصر طلایی پزشکان دوره‌ی تمدن اسلامی است. ساختار طب تمدن اسلامی در این دوران به‌عنوان طب اسلامی یاد می‌شود که می‌توان آن را طب سنتی حوزه‌ی تمدنی ایران نیز در نظر گرفت. اما امروزه طب اسلامی مفاهیم دیگری را حمل می‌کند.

گروهی تنها موضوعات طبّی‌ای را اسلامی می‌دانند که در قرآن و روایات به آن‌ها اشاره شده است. گروهی نیز معتقدند آموزه‌های طب در اسلام پراکنده و فاقد ساختار خاصی هستند. طب اسلامی با این ویژگی چندان سابقه‌ی فراگیری

ندارد و در دهه‌ی اخیر در محافل علمی به‌صورت پراکنده مطرح شده است و تعریف روشن، دقیق و مورد اتفاقی از طب اسلامی و ماهیت آن در دست نیست و آراء و نظریات مختلف و متناقضی درباره‌ی آن ابراز می‌شود (۲،۳).

هدف اصلی این مقاله بررسی مفهوم طب اسلامی ذیل موضوع رابطه‌ی علم و دین است. بر این اساس، تعریف علم و دین از دیدگاه رایج و حکمای مسلمان و انواع رابطه‌ی بین علم و دین، مبانی معرفتی و ویژگی‌های علم اسلامی و رابطه‌ی طب و اسلام و تعریف طب اسلامی، اهداف اختصاصی مورد نظر خواهند بود.

### روش تحقیق

مطالعه به‌شکل مروری-توصیفی و کتابخانه‌ای انجام شد. پایگاه‌های آی اس آی، پاب مد، آی اس دی، گوگل اسکولار، مگیران و اس آی دی به‌منظور شناخت این مبانی، جست‌وجو شد. دو نفر جست‌وجوی مستقل انجام دادند و حاصل را در جلسه‌ی مشترک تجزیه و تحلیل کردند. ارزیابی کیفی توسط متخصص پزشکی اجتماعی گروه انجام شد. نشریه‌های علمی پژوهشی و مکتوباتی مورد بررسی قرار گرفتند که نویسندگان/نویسندگان وابستگی به مراکز دانشگاهی و علمی مصوب داشته یا مجتهد مسلم حوزه‌ی علمیه (با محوریت آراء و نظریات عبدا... جوادی آملی) به‌شمار می‌آیند. مقالاتی برگزیده شدند که حاوی مطالبی درباره‌ی تمام یا بخشی از اهداف اختصاصی مدنظر بودند.

### نتایج

گرچه طب به‌عنوان شاخه‌ای از علم و اسلام به‌عنوان دین، امروزه امری شناخته شده به‌شمار آورده می‌شود، ترکیب این دو یعنی طب اسلامی مفهوم روشن و یکسانی ندارد و مجال بحث و بررسی هم‌چنان گشوده است.

پیش از پرداختن به ماهیت و محتوای طب اسلامی، باید پیش‌فرض این گزاره را بررسی کرد. با این پیش‌فرض برای

گروهی دین را مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌های اخلاقی و احکام می‌دانند که به افعال اختیاری انسان مربوط می‌شود؛ بنابراین، افعال طبیعی بدن انسان و امثال آن از حوزه ی دین خارج هستند (۷).

### تعریف رایج از علم

علم به معنی Science در طول تاریخ اندیشه، سه گونه معنا یافته است: الف) کشف واقعیت؛ معنای اولی و اصلی علم به عنوان کلیت تاریخی؛ ب) کشف واقع فقط توسط تجربه که متعلق به دوره ی مدرن است و منتقدان جدی‌ای را در پی داشت، از جمله نظریات کانت مبنی بر تردید در امکان درک واقعیت و مطابقت ذهن و عین؛ ج) پست پوزیتیویسم و بر این اساس علم دیگر نمی‌تواند کشف واقع باشد و آنچه علم نامیده می‌شود صرفاً مجموعه‌ی نسبتاً منسجمی است که علی‌رغم ارتباط نامشخص با واقعیت عینی، به‌خاطر کارکردهای خاصی که دارد مورد اهتمام است (۸).

### تعریف علم از دیدگاه حکمای مسلمان

علامه طباطبایی معتقد است علم عبارت است از مجموعه قضایایی که در آن‌ها احوال و خصوصیات موضوع واحد بحث می‌شود. این موضوع واحد در حدود موضوع‌های مسائل و محمول آن‌ها اخذ می‌شود (۹). شهید مطهری می‌گوید: علم امری مجرد است و متکلمان می‌گویند علم عبارت است از صفتی که موجب تمیز اشیاء از یکدیگر می‌شود. علم از نظر منطق‌دانان حضور صورتی از شیء خارجی در ذهن است. علم از دیدگاه فلاسفه بدیهی است و تعریف حقیقی آن مشکل است (۱۰).

### رابطه ی دین و علم

رابطه ی بین علم و دین از بزرگ‌ترین مناقشات میان متفکران بوده است. نمونه‌ای از سیر تاریخی و نظریه‌های نحوه ی رابطه ی دین و علم به‌طور خلاصه در نمودار ۱- بیان شده است (۱۱).

این‌که طب اسلامی را نوعی علم دینی بدانیم باید در آن‌جا که علم شناخته می‌شود دارای پشتوانه ی علم شناختی بوده و آن‌جا که دینی شمرده می‌شود دارای پشتوانه ی دین شناختی باشد. بنابراین، باید دارای توجیه علم شناختی و دین شناختی باشد (۴). به عبارت دیگر، ابتدا باید رابطه ی علم و دین و نسبت بین این دو مشخص شده و در مرحله ی دوم سطحی از انتساب را بین زیرمجموعه‌های مورد نظر یعنی طب و اسلام یافت. ابتدا باید به علم به عنوان موضوعی کلی از دیدگاه رایج و منظر دین (به طور خاص اسلام) پرداخته شود. سؤالاتی باید پاسخ داده شود: آیا بین علم و دین رابطه‌ای وجود دارد؟ اگر هست این ارتباط چگونه است؟ چگونه می‌توان مفهومی ذیل آن‌ها استخراج کرد و اسلام و طب را تخصیص زد؟

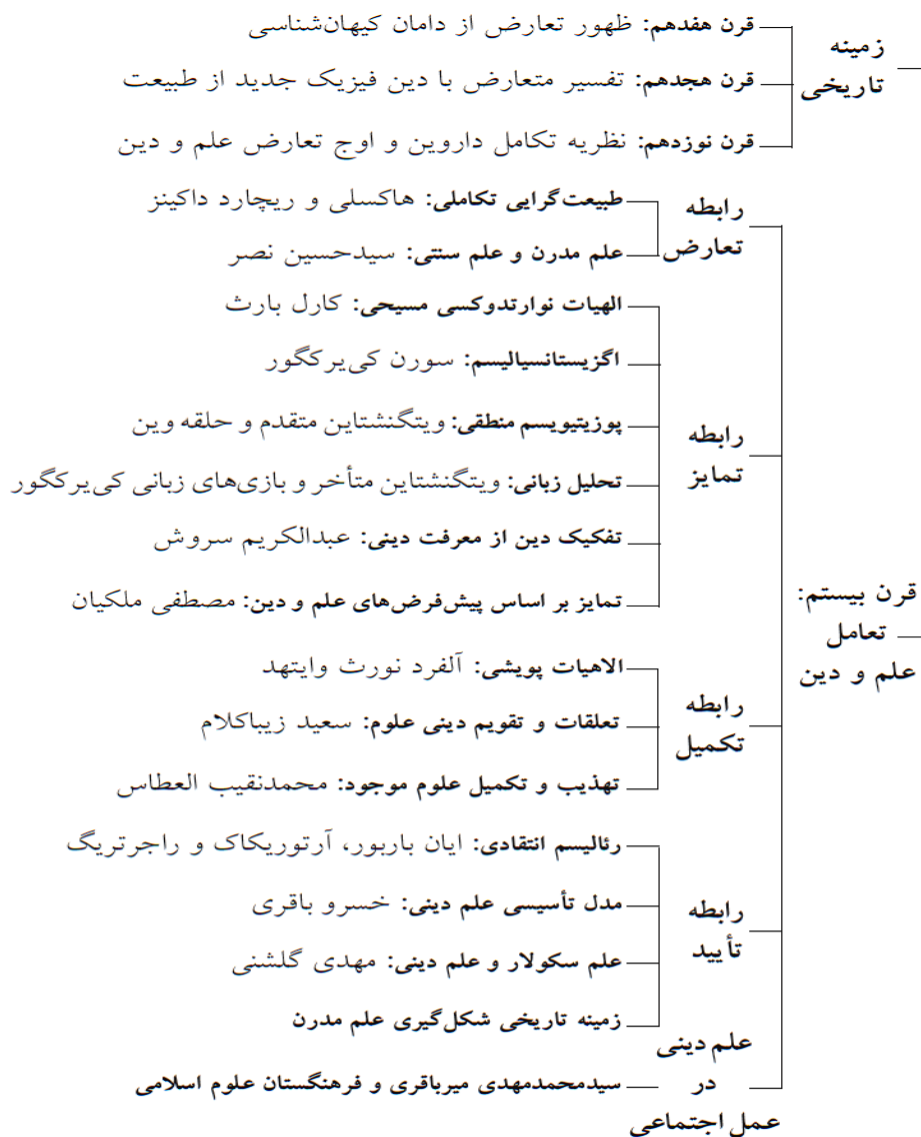
### تعریف رایج از دین

فلاسفه تعریف مورد اتفاقی از دین ندارند. تعریف هر ملاک و معیاری از دین برای تعیین ذاتیات دین، مستلزم تعریف مشخص از دین است و اشکال دور پیش می‌آید (۵). دین بر اساس برخی تعاریف، به هفت دسته تقسیم شده است و شامل: عقل‌گرا، عاطفه‌گرا، عمل‌گرا، نمادگرا، تحویل‌گرا، کارکردگرا، درون دینی. دین از منظر فلسفی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و پدیدارشناختی هستند (۶).

### تعریف دین از دیدگاه حکمای مسلمان

دین بنا به نظر ابن سینا نمی‌تواند ماهیت داشته باشد و لذا جنس و فصل نیز ندارد و در نتیجه تعریف ماهوی ندارد و تنها می‌توان به صورت اسمی (شرح الاسمی) یا با تعیین امر عامی به منزله ی جنس و چیزی به منزله ی فصل تعریفی را در نظر داشت (۶).

علامه طباطبایی معتقد است دین مجموعه‌ای از اعتقادات اساسی (اعتقاد به حقیقت جهان و انسان) و مقررات و قوانین متناسب با آن‌هاست که در مسیر زندگی بدان‌ها عمل می‌شود. دین از دیدگاه محمد عبده؛ مجموعه تکالیفی است که بندگان به وسیله ی آن‌ها از خدا اطاعت می‌کنند (۵).



### نمودار ۱: دسته‌بندی آراء متفکران درباره روابط میان علم و دین

#### تعریف علم دینی

پیامبر اسلام (ص) در تقسیم‌بندی علم می‌فرماید: انما العلم ثلاثة آیه محکمه، فریضه عادله او سنه قائمه و ما خلاهن فهو فضل. علوم تجربی و طبیعی را می‌توان با هدف مطالعه‌ی آیات خداوند از سنخ آیه‌ی محکمه تلقی نمود یا به‌طور مثال اجرای عدالت در سلامت را فریضه‌ی عادله، جامعه‌شناسی و

روان‌شناسی را با هدف ایجاد تحول توحیدی در اخلاق جامعه و فرد، سنت قائمه. بنابر این، علم دینی و غیر دینی می‌تواند در موضوع مشابه و در دیگر عوامل و عناصر متفاوت باشند. علامه جوادی آملی معتقد است بحث از دینی و غیر دینی یا اسلامی و غیر اسلامی بودن علوم قبل از آن‌که متوجه علوم و دانش‌های جزئی شود، مربوط به علم کلی و فلسفه است

یعنی فلسفه و متافیزیک به دلیل این که جهان بین و کل نگر است یا بی دین و سکولار می شود و سر از الحاد، شک و تردید در می آورد یا آن که دینی و الهی می شود، فلسفه قبل از ورود به این عرصه، همه ی هویت خود را باز نیافته و تعین خویش را آشکار نساخته است و به همین دلیل به سکولار یا قدسی و دینی بودن متصف نمی شود و لکن پس از ورود به این عرصه، چهره ی خود را باز می یابد و ناگزیر به یکی از دو طرف نقیض وصف می شود (۱۲). علم اگر وهم و خیال و فرضیه ی محض نباشد (از ابتدای انعقاد تا انتها) نمی تواند غیر اسلامی باشد (منظور از اسلامی بودن به معنای کلی، الهی بودن است). کلیه ی علوم بشری منبعث از فعالیت های عقلی (عرفی، تجربی، تجربیدی، نیمه تجربیدی، عقل ناب شهودی و عرفانی) الهی هستند چون به کشف آثار فعل خدا در جهان می پردازند. علوم تجربی علی رغم ظنی بودن لطمه ای به دینی بودن نمی زند. چنان که ظنی بودن بسیاری از مسائل فقهی به دینی بودن آنها ضربه ای نمی زند. چرا که در حد تلاش انسانی و فکر انسان مطلبی بررسی می شود و ظنی به دست می آید. آن جایی که ظنی است، استناد به دین را ظنی و آن جا که مطلب قطعی است، استناد به دین را قطعی می دانند. علم تجربی محدودیت هایی دارد و نیازمند یاری خواستن از فلسفه است و حوزه های معرفتی مافوق آن انکارناپذیر است. اگر یافته های علم تجربی که ثمره ی عملی بر آن مترتب باشد و به صورت اطمینان آور اثبات شود، آن گاه در حکم حجت شرعی است ( نه این که تمام یافته های علم تجربی حجت شرعی باشند)، این جا علم دینی می شود. اگر یافته ی علوم تجربی با نقل هماهنگ نباشد، از راه حل مطرح در تعارض چند نقل (تخصیص و تقیید یا مرجحات دیگر) استفاده می شود (۱۳، ۱۴).

منابع معرفتی علم اسلامی از دیدگاه علامه جوادی آملی علم دینی و اسلامی علمی است که از جهان بینی و فلسفه ی الهی و توحیدی بهره می برد و این تعریف، هیچ یک از علوم جزئی را به دلیل این که به موضوعی خاص از

موضوعات جهان هستی می پردازند یا هیچ یک از علوم را به دلیل این که از طریق حس، تجربه، عقل و دیگر ابزارها و وسایل ادراکی بشر به دست می آیند، از دایره ی شمول خود خارج نمی کند.

منابع علوم اسلامی با حفظ هویت الهی خود، حس، عقل و شهود است، زیرا فیض الهی یعنی علم از این سه طریق افاضه می شود. حس در علوم تجربی و استقرایی، عقل در علوم تجریدی و شهود در مکاشفات عرفانی مجرای فیض الهی است. علم اسلامی علاوه بر منابع درونی (حس، عقل و شهود) از منبع بیرونی نیز بهره می برد (وحی). منبع بیرونی، علاوه بر ارشاد به سوی منابع درونی، علوم را به عرصه ی علوم اسلامی و دینی وارد می کند که از هیچ یک از منابع درونی تأمین نمی شود (۱۲).

#### ویژگی های علم اسلامی

علم دینی به منظور نمود عینی نیازمند عوامل و عناصری است؛ از آن جمله: موضوع، محمول، عالم، معلوم، روش، ابزار، منبع، فایده و کاربرد، هدف و مبانی، پیش فرض ها و پیش انگاره ها، زمان، مکان، جغرافیا، فرهنگ و تمدن که برخی رکنی هستند (نقش علیت دارند) و برخی غیر رکنی (نقش معدّ). برخی علمی را دینی می دانند که بر مبانی و اصول دینی استوار باشد. اما شاید دینی بودن مبانی، علت ناقصه باشد (۱۵).

بر این اساس، چهار ویژگی را برای علم اسلامی می توان قائل شد: ۱- تعلیم و تعلم آن برای رضای الهی باشد، اگر فراگیری یا آموزش دانش به قصد کسب سود، قدرت یا شأن و منزلت اجتماعی باشد، آن علم اسلامی نیست. ۲- بر اساس مبانی و موازین اسلام عمل شود و در راه صحیح به کار گرفته شود.

ویژگی اول به غایت و هدف عالم باز می گردد، و ویژگی دوم به کاربرد و هدف علم باز می گردد. مثلاً انرژی هسته ای اگر برای اهداف انسانی و صلح آمیز به کار گرفته شود، علم و

لازم یا مقوم هویت آن است (۱۲).

### تعریف طب اسلامی

برخی برای طب اسلامی تعریف و مشخصاتی قائل هستند از جمله: الف) طب اسلامی فقط مکتب معرفتی و شناختی نیست بلکه دارای روش مداخله‌ی درمانی خاص خود بوده و منحصر به امور طبی است که به‌طور مستقیم از منابع نقلی اسلامی به‌دست می‌آید. سایر مکاتب یا روش‌ها حتی اگر سودمند و اثربخش بوده یا با معیارهای اسلامی منطبق باشند خارج از حوزه‌ی طب اسلامی هستند. روش درمان باید مورد تأیید معصومین باشد و اعمال جراحی و دیگر مداخلات آخرین مرحله‌ی درمان بوده و زمانی رواست که روش‌های مورد تأیید در طب اسلامی موثر نباشند (۳). این تعریف حاوی تناقض درونی است. نقش عقل انکار شده ولی روایی نظریه به کمک استدلال عقلی اثبات شده است.

ب) طب اسلامی بر اساس تعلیم قرآن و روایات معصومین شکل می‌گیرد و هنگامی تحقق می‌یابد که امور طبی با مبانی اسلام انطباق داشته باشد. بر اساس این مبانی بخش‌هایی از طب سنتی مورد تأیید و بخش‌هایی نیازمند اصلاح هستند. بخش‌هایی از سایر مکاتب طبی هم ممکن است مورد تأیید قرار بگیرد. به‌عبارت دیگر، آموزه‌های اسلام در طب، کلی و مبنایی است و شرح و جزئیات آن ممکن است در متون و اسناد اسلام موجود نباشد (۳).

این تعریف فاقد پردازش نظری موثر درباره‌ی اصول و مبانی اسلام در علم طب بوده و غیر کاربردی است.

ج) گروهی طب دوران طلایی تمدن اسلامی را به‌عنوان طب اسلامی می‌دانند. به بیان دیگر، مکتب طبی آن روزگار که آمیزه‌ای از مکاتب طبی ملل و تمدن‌های پیشین و پیرامون و تلاش‌ها و یافته‌های حکیمان آن زمان بوده و امروزه طب سنتی ایران تلقی می‌شود به‌عنوان طب اسلامی در نظر گرفته می‌شود (۱۶، ۳).

تکنولوژی مربوط به آن از نظر اسلامی مورد تأیید است و اگر در جهت تخریب و برای اموری به‌کار گرفته شود که مورد رضای خداوند نباشد، فراگیری و آموزش آن جایز نیست. ۳- مربوط به سلوک و رفتار عالم یا فرهنگ جامعه‌ی علمی است یعنی اگر مناسبات و روابط، جامعه‌ی علمی، فراگیران و عالمان دینی، اسلامی باشد، تعلیم و تعلم آن‌ها مورد قبول اسلام است و اگر سلوک، رفتار و فرهنگ آن‌ها غیراسلامی باشد، تعلیم و تعلم آن‌ها غیراسلامی است. ویژگی سوم در حقیقت، مربوط به جامعه‌ی علمی و مناسبات و روابط انسانی و اجتماعی آن‌هاست و اسلامی بودن بر اساس این ویژگی در حقیقت وصف محیط و نظام علمی نظیر دانشگاه و مدرسه است، دانشگاه اسلامی در این دیدگاه دانشگاهی است که نمادها و نشانه‌های اسلامی در آن حضور برجسته و تأثیرگذار دارد و مساجد در آن فعال است و نماز در آن‌ها اقامه می‌شود و روابط انسانی در محیط علمی آن مطابق ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی است. ۴- ناظر به ساختار درونی معرفت علمی است. علم اسلامی در این نگاه، علمی است که هویت درونی آن اسلامی باشد.

وصف اسلامی بودن در سه خصوصیت اول در حقیقت مربوط به خود علم نیست، بلکه مربوط به اهداف عالم؛ اهداف و کارکردهای علم یا فرهنگ و رفتار جامعه‌ی علمی است و اسلامی شدن آن خصوصیات چندان مورد گفت‌وگو نیست. اما خصوصیت چهارم ویژگی‌ای است که مربوط به خود علم است. اگر ساختار درونی علم به دینی و غیردینی بودن یا اسلامی و غیراسلامی بودن متصف شود با اسلامی شدن اموری که مربوط به عالمان است یا ناظر به استفاده و کاربرد نتایج و محصولات علمی است یا در حوزه‌ی فرهنگ و رفتار جامعه‌ی علمی است، علم اسلامی نخواهد شد، هر چند که علم اسلامی این‌گونه از لوازم و پیامدها را نیز به همراه خود خواهد داشت. به‌طورخلاصه، خصوصیات سه‌گانه‌ی قبلی به‌منزله‌ی عرض مفارق علم دینی است و خصوصیت چهارم به‌منزله‌ی عرض

### بحث و نتیجه گیری

فضای نسبی گرایانه‌ی پسامدرن، هرچند موجب تردید در قطعیت علم مدرن شده است و این نسبیّت، از همان جهتی که علم مدرن را مورد تردید و تشکیک قرار می‌دهد، تهدیدی برای علم دینی نیز خواهد بود. اما آموزه‌های اسلام به جهت اتصال به وحی، جهان‌شمول و دور از نسبیّت معرفت‌شناختی‌اند. از نظر روشی نیز رئالیسم انتقادی، با قبول حکایت‌گری اسلام و علم از واقعیت، امکان تفسیر آموزه‌های علمی و اسلامی از واقعیت را به‌دست می‌دهد. اتخاذ چنین رویکردی، از سویی، از دیدگاه‌های نسبی‌گرایانه فاصله می‌گیرد و از سویی، به‌دلیل امکان تفسیر، به تعارض یافته‌های علمی و آموزه‌های دینی منجر نخواهد شد.

از طرف دیگر، از دیدگاه اسلام، طب مسؤولیت دارد به تیمار صحیح کالبدی پردازد که انسان به عاملیت او در جهان هستی ایفای نقش می‌کند، مرحله‌ی انتقالی (عالم برزخ) و مرحله‌ی جاودانگی پس از مرگ خود را رقم می‌زند و روح شرعی به مدد ریاضت‌های این کالبد تکامل می‌یابد. آیا در این‌صورت، طب می‌تواند غیر دینی و غیر اسلامی باشد؟

کوتاه سخن آن‌که کالبد بشر جایگاه حلول روحی است که امانت الهی را حمل می‌کند. هر مسأله‌ای که به این کالبد متعلق است نمی‌تواند دینی و بالطبع اسلامی نباشد.

با این رویکرد (علم دینی مورد نظر علامه جوادی آملی و طب اسلامی مورد نظر مهدی اصفهانی) می‌توان طب اسلامی را با بهره‌گیری از تمام امکانات دیگر مکاتب طبّی (به‌ویژه طب سنتی ایرانی تا آن‌جا که با اصول و فروع اسلام مغایرتی ندارد) و لحاظ کردن اصول و اهداف خلقت انسان پایه‌ریزی کرد.

این تعریف هرچند ممکن است به‌عنوان قرارداد قابل قبول به‌نظر برسد، در حقیقت، ارتباط تاریخی طب و اسلام را بیان می‌کند و نمی‌تواند گویای مفهوم و ماهیت طب اسلامی به‌عنوان علم دینی باشد.

د) مهدی اصفهانی معتقد است طب اسلامی نظامی از عرضه‌ی خدمات پزشکی در ابعاد آموزشی، پژوهشی، خدمات تأمین، حفظ و ارتقای سلامت به مفهوم جامع آن است که ضمن استفاده از آخرین دستاوردهای بشری و تلاش برای ارتقای آن‌ها، نه تنها چیزی در مخالفت و تضاد با فقه و رهنمودهای اسلامی در آن دیده نمی‌شود، بلکه حضور و الهام بخشی رهنمودهای اسلامی کاملاً در فرایندهای آن محسوس است (۱۶).

ه) گروهی چندان قائل به تخصیص تا این سطح از علم دینی نیستند و آن‌را غیر لازم می‌دانند. علامه جوادی آملی می‌گوید، علم اگر وهم و خیال و فرضیه‌ی محض نباشد (از ابتدای انعقاد تا انتها) نمی‌تواند غیر الهی باشد. کلیه‌ی علوم بشری منبعث از فعالیت‌های عقلی (عرفی، تجربی، تجربیدی، نیمه تجربیدی، عقل ناب شهودی و عرفانی) الهی هستند چون به کشف آثار فعل خدا در جهان می‌پردازند. سخن کافر و ملحدی که به بررسی فعل خدا می‌پردازد می‌تواند معتبر باشد زیرا فعل، فعل خداست. ابن ابی العوجاء زندیق معروف با وجود مبارک امام صادق (سلام الله علیه) گفت‌وگو کرد، حضرت فرمایشاتی را فرمود، وی فرمایشات امام صادق را برای دیگران نقل می‌کند، آن منقول دینی است ولو ناقلش دینی نباشد (۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۷).

و) گروهی علم دینی (و به تبع آن طب اسلامی) را غیر ممکن می‌انگارند. این دسته معتقد به تعارض بین علم و دین هستند. این دسته معتقد به توانایی علم رایج در حل مشکلات انسانی و بی‌نیازی به توجیهات دینی هستند (۱۱). خودبستگی علم انسانی با ظهور دوران پسامدرن، نمی‌تواند جایگاه مستحکمی را برای خود بیابد.

## منابع

- 1- Nazari M, Taghizadeh A, Orafaei H, et al. Nausea and vomiting in Iranian traditional medicine based on Avicenna's viewpoint. *Electronic Physician*. 2015; 7 (2):1047-53.
- 2- Noormohammadi Gh. Attitude to the concept of Islamic medicine management. *National Conference of Islamic Medicine*. Qom University of Medical Sciences. 2007: 1-38.
- 3- Sadeghi S, Mahdavinejad GH, Sadeghi R, Farhidzadeh, A. School of Islamic medicine and consenting view. *Medical History*. 2012;10 (1):11-32
- 4- Bagheri Kh, Explanation of the appellation of Religious knowledge. *Mesbah Quarterly*; 2000; 35 (3):37-76.
- 5- Yazdani A, The difficulty of defining religion and approaches. *Philosophy of Religion*; 2010; 8 (1): 29-46. [in Persian]
- 6- Mousavifaraz MR. Categories and definitions of religion. *Marefat*. 2016; 225 (6): 13-30. [in Persian]
- 7- Amiri AN. The various approach to the relationship between science and religion. *Religious Studies*. 2006; 4(1):155-189. [in Persian]
- 8- Soozanchi H. Religious science as the basis of the relationship between science and religion. *Culture Strategy*. 2009; 6 (2): 32-55. [in Persian]
- 9- Eslami M. The relationship between science and religion in terms of Allameh Tabatabaei. *Marefat*. 2015; 206(11):67-80. [in Persian]
- 10- Anonymous. Comprehensive Database Master martyr Motahari: <http://morteza-motahari.com/fa/articleview.html?ArticleID=78906> (accessed on 2017).
- 11- Ghaeminick MR. Introduction to the possibility of religious science study. *Culture Strategy*. 2009; 6 (2): 95-124. [in Persian]
- 12- Amoli A. Islamic knowledge. *Culture Strategy*. 2009; 6 (2): 8-17. [in Persian]
- 13- Akbari MA, Vaez M. Redrawing the theory of religious knowledge of Allameh Javadi Amoli. *Hekmat Sara*. 2014; 18 (4):5-36. [in Persian]
- 14- Soozanchi H, The geometry of religious knowledge. *Islamic Training Education*. 2012; 24 (1): 113-130. [in Persian]
- 15- Alitabar RA, Factors and elements of religious knowledge. *New Ideas*. 2015; 41 (2): 113-130. [in Persian]
- 16- Isfahani MM, Review the definition, meaning, content and features Islamic medicine by Imam Reza (AS) Guidance. *Medical History*. 2010; 2(2): 92-96. [in Persian]
- 17- Anonymous, Ministry of Health and Medical Education news Agency. <http://www.behdasht.gov.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=1&pageid=1508&newsview=102026> (accessed on 2017).



## Defining Islamic medicine: The relationship between science and religion

Mojtaba Mousavi Bazzaz<sup>1</sup>, Jafar Shokri<sup>2</sup>, Sadegh Shokri<sup>\*3</sup>

<sup>1</sup>Associate Professor, Department of Community Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran.

<sup>2</sup>Master of Theology, Ahwaz Judiciary Office, Ahwaz, Iran.

<sup>3</sup>Researcher, School of Persian and Complementary Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran.

### Abstract

Currently, in Iran, some difficulties in the application of conventional medicine, has caused more public interest in using Persian traditional medicine for their health problems.

In terms of terminology, Persian traditional medicine, Islamic medicine and traditional medicine have been used interchangeably.

Although, proponents of traditional medicine claim a strong basis for its application, at least in scholarly available literature it has not been proved, specially based on evidence-based sciences. In search for Islamic medicine's definition and its foundations a non-systemic literature review with saturation based in authors' opinion, with attention to relationship between science and religion was conducted.

Medical issues in Qur'an and *hadith* as well as conventional medicine were searched and based on the relationship between science and religion; there are six perspectives about Islamic medicine. It includes approval, denial, prioritization, or a combination of these opinions.

The article, describing the so-called Islamic medicine from the perspective of Allameh Javadi Amoli and definition suggested by Mehdi Esfahani about Islamic medicine.

**Keywords:** Persian traditional medicine, Islamic medicine, science and religion, traditional medicine

---

\* Corresponding Author: Email: [Shokris1@mums.ac.ir](mailto:Shokris1@mums.ac.ir)